

تأثیر ویژگی‌های ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان بر روابط با جمهوری اسلامی ایران

مجید عباسی^۱ - مرتضی نورمحمدی^۲ - سید محمدرضا موسوی^۳

تاریخ دریافت: ۹۱/۴/۱۶

تاریخ تصویب: ۹۱/۷/۱۳

چکیده

این مقاله در صدد شناخت تأثیرات ویژگی‌های ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان بر روابط دوجانبه با جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. کشور آذربایجان در منطقه‌ای واقع شده که به دلیل خصوصیات جغرافیایی و همسایگی با ایران همواره مورد توجه قدرت‌های جهانی بوده است و بنابراین بررسی ژئوپلیتیک این کشور می‌تواند در اتخاذ تصمیمات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی کشور ما سودمند و برای کاستن از تصادمات احتمالی در آینده مفید واقع شود. از این رو در این تحقیق برای پاسخ به این سوال که ویژگی‌های ژئوپلیتیکی آذربایجان چه تأثیری بر روابط با ایران دارد، از شیوه تحلیل محتوا استفاده شده تا به درک کامل‌تری از شناخت ویژگی‌ها و ریشه‌یابی چالش‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها کمک نماید. در

۱. استادیار و عضو هیات علمی گروه روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی (Abbasi@atu.ac.ir)

۲. استادیار و عضو هیات علمی گروه روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی (politic110@gmail.com)

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای (گرایش آسیای مرکزی و قفقاز) دانشگاه علامه طباطبائی (moosaviut@gmail.com)

پایان ضمن تبیین تأثیر عوامل مختلف ژئوپلیتیکی آذربایجان در کاهش یا افزایش سطح روابط میان دو کشور، به تجزیه و تحلیل و ارایه پیشنهادهای لازم در این زمینه پرداخته خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: ژئوپلیتیک، جمهوری آذربایجان، جمهوری اسلامی ایران، همگرایی، واگرایی، روابط خارجی.

مقدمه

امروزه بدون شناخت محیط پیرامونی و نظم معادلات حاکم بر آن، دستیابی به اهداف، امنیت ملی و منافع ملی غیر ممکن و در صورت امکان مستلزم سعی و خطای بسیار، اتلاف منابع و هزینه‌های سنگین و احتمالاً جبران‌ناپذیر خواهد بود.

امروزه قدرت‌های بزرگ با سطح بازی فرا منطقه‌ای نیز علاوه بر شناسایی توانایی‌ها و آسیب‌پذیری‌های سایر کشورها در سطح بین‌الملل، از توجه ویژه به همسایگان خویش غافل نیستند. سرزمینی که امروزه جمهوری آذربایجان نام گرفته است در اثر جنگ‌های روسیه و ایران طی قراردادهای گلستان در سال ۱۸۱۳ و ترکمان‌چای ۱۸۲۸ از ایران جدا و ضمیمه روسیه گردید و برای نخستین بار پس از سقوط امپراطوری روسیه در سال ۱۹۱۷ و با رویکار آمدن بلشویک‌ها با استفاده از خلا قدرت و با کمک ترک‌های عثمانی موفق شد در سال ۱۹۱۸ حکومتی تحت عنوان جمهوری آذربایجان تشکیل دهد (امیراحمدیان، ۱۳۸۳: ۱۶۸).

این حکومت در سال ۱۹۲۰ از سوی ارتش سرخ روسیه لغو و قلمرو آن در داخل اتحاد جماهیر شوروی قرار گرفت که تا سال ۱۹۹۱ یعنی سال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به حیات خود ادامه داد. در سال ۱۹۹۱ در کنار دیگر جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی، آذربایجان نیز اعلام استقلال کرده و به عنوان کشوری مستقل به عضویت سازمان

ملل متحد درآمد (امیراحمدیان، ۱۳۸۵: ۳۰). در این مقاله سعی شده است تا ضمن بهره‌مندی از روش تحقیق توصیفی، متغیر مستقل تحقیق (تحلیل ژئوپلیتیکی آذربایجان) را واکاوی نموده و تأثیرات عوامل ژئوپلیتیکی بر متغیر وابسته (روابط دو کشور همسایه شیعی) مورد سنجش قرار گیرد تا گامی در راستای ارتقای روابط فیما بین آنها برداشته گردد.

ادبیات نظری تحقیق

اهمیت ژئوپلیتیک در تحلیل مناسبات بین‌المللی

بیش از صد سال است که ژئوپلیتیک به عنوان یک ابزار مفهومی در ادبیات نظامی، سیاسی و روابط بین‌الملل به کار گرفته شده است. صرف نظر از پیامدهای تلخ جنگ‌های جهانی اول و دوم در تاریخ بین‌الملل، ژئوپلیتیک از منظر تحلیل معادلات قدرت و ارائه راهبرد، ابزار تحلیلی مناسبی به نظر می‌آید (واعظی، ۱۳۸۷: ۱۷). از منظر ژئوپلیتیک، شناخت ابعاد جغرافیایی در فرآیند تحقیق بر نظامی منطقی و در روند تحلیل بر بهره‌گیری از واقعیتهایی استوار می‌باشد که در طول زمان در ارتباط با مفهوم قدرت اثرات خود را در صحنه سیاسی یک محیط جغرافیایی بر جا نهاده است. از این رو تحلیل ژئوپلیتیک در اتخاذ سیاستهای عملی دولتها می‌تواند از قابلیت پایداری و قطعیت مناسب تری برخوردار باشد (افشردی، ۱۳۸۱: ۴).

ابعاد نظری و تحول مفهومی ژئوپلیتیک

واژه ژئوپلیتیک برای اولین بار در سال ۱۸۹۹ توسط رودلف کیلن سوئدی به کار برده شد. او هنگام بیان نظریه خود با عنوان «کشور: موجودی زنده» با ارائه ساختاری پنج وجهی از کشور، ساخت فیزیکی فضایی کشور را ژئوپلیتیک نامید. اما ژئوپلیتیک به معنای

عمومی آن یعنی «نقش عوامل جغرافیایی در سیاست» قدمتی بسیار زیاد دارد (افشردی، ۱۳۸۱: ۵).

ژئوپلیتیک در مفهوم مصطلح خود از اواخر قرن نوزدهم و تحت تأثیر تحولات اروپا وارد ادبیات سیاسی - نظامی شد. از تحولات سیاسی اروپا و از جمله وقوع جنگ جهانی اول و به ویژه تمایل آلمان به برهم زدن نظم موجود جهان و توسعه سرزمینی به عنوان مهم ترین عوامل شکل گیری ژئوپلیتیک نام برده می‌شود. بر اساس تعریف دایره المعارف بریتانیا، ژئوپلیتیک عبارت از تحلیل نفوذ عوامل جغرافیایی بر روابط قدرت در سیاست بین‌الملل است. کارل هاوس هوفر بنیانگذار مکتب آلمانی ژئوپلیتیک می‌گوید، ژئوپلیتیک تحقیق در خصوص رابطه میان زمین و سیاست است. ریمون آرون در کتاب «جنگ و صلح» در تعریف خود، ژئوپلیتیک را عبارت از طراحی جغرافیایی روابط استراتژیک همراه با تحلیل اقتصادی - جغرافیایی منابع و تفسیر نگرشهای دیپلماتیک حاصل از حیات جوامع بشری و محیط زیست پیرامون آن می‌داند (جعفری ولدانی، ۱۳۸۱: ۲).

ویژگی‌های ژئوپلیتیک جمهوری آذربایجان

ویژگی‌های ثابت

۱- ساختار طبیعی

کشور آذربایجان با وجود برخورداری از ۸۲۵ کیلومتر ساحل در دریای خزر، به آب‌های آزاد دسترسی ندارد و چون از نظر موقعیت طبیعی ژئوپلیتیک محصور در خشکی بوده و دارای منابع انرژی فراوانی است جزو کشورهای «سامانه بسته»^۱ محسوب می‌شود (افشردی، ۱۳۸۱: ۲۳۹). وجود عامل بسته بودن تبعاتی از قبیل «تأثیر منفی در تجارت با شرکای استراتژیک» را برای آذربایجان فراهم می‌آورد که ارتباط آن کشور با ایران را

۱ - Land lock

تحت الشعاع قرار می‌دهد. چرا که بسته بودن سیستم ارتباطی طبیعی در تجارت و مبادلات تجاری آذربایجان با کشورهای غیر هم مرز تأثیر منفی دارد؛ به ویژه با کشورهای همچون آمریکا و ترکیه. لازم به یادآوری است که آذربایجان در مورد هرگونه ارتباط با ترکیه به عنوان متحد راهبردی آن دولت در منطقه، متکی به خاک گرجستان یا ایران می‌باشد که همین امر مزیت رقابتی خوبی را برای ایران فراهم می‌آورد. این کشور از نظر موقعیت جغرافیایی نیز از دو موقعیت مربوط به خاک اصلی و برون بوم نخجوان برخوردار است:

موقعیت هندسی خاک اصلی

عرض جغرافیایی: از ۳۸ درجه و ۲۶ دقیقه و ۳۰ ثانیه تا ۴۱ درجه و ۵۴ دقیقه و ۳۶ ثانیه
طول جغرافیایی: از ۴۴ درجه و ۵۹ دقیقه و ۲۰ ثانیه تا ۵۰ درجه و ۳۶ دقیقه و ۵۴ ثانیه

موقعیت هندسی نخجوان

عرض جغرافیایی: از ۳۸ درجه و ۵۰ دقیقه و ۴۸ ثانیه تا ۳۹ درجه و ۴۷ دقیقه و ۳۰ ثانیه
طول جغرافیایی: از ۴۴ درجه و ۴۶ دقیقه و ۱۲ ثانیه تا ۴۶ درجه و ۰۸ دقیقه و ۵۴ ثانیه

قرارگیری آذربایجان در عرض‌های بالا سبب برخی محدودیت‌های زراعی برای آن کشور شده است. در واقع به دلیل کوهستانی بودن بخشی از خاک این کشور و واقع شدن در عرض‌های بالاتر که باعث برودت هوا می‌شود با محدودیت قابل توجه‌ای در زمینه فعالیت‌های کشاورزی مواجه است. اما برخورداری از منابع درخور توجه نفت، گاز، دشت‌ها و جلگه‌های حاصلخیز و نیز رودخانه‌های پرآب این کاستی را برطرف می‌کند (واحدی، ۱۳۸۲: ۲۱).

۲- موقعیت

آذربایجان با حدود ۸۶۸۰۰ کیلومتر مربع وسعت در منطقه قفقاز قرار دارد. ساختار سرزمینی آذربایجان، دو تکه بودن سرزمین آن و ناهماهنگی در طول و عرض جغرافیایی، یک ضعف دفاعی-امنیتی برای این کشور محسوب می‌شود. در شمال و شمال غرب

آذربایجان رشته کوههای آب پخشان قفقاز و قفقاز بزرگ مرز طبیعی این کشور را با جمهوری خودمختار داغستان خودمختار روسیه تشکیل می‌دهند. در غرب و جنوب غربی آذربایجان نیز رشته کوه ماللی قفقاز در مرز این کشور و ارمنستان واقع شده است که این رشته کوه‌ها از دیدگاه دفاعی - امنیتی وضعی دوگانه را به وجود آورده‌اند از یک سو در نگاه اول سدی در برابر تهاجم بیگانگان بوده و از سوی دیگر مانعی در زمینه اقدام‌های نظامی - امنیتی آذربایجان در مواقع مقتضی به شمار می‌روند (افشردی، ۱۳۸۱: ۸۹).

این کشور در کنار ارمنستان و گرجستان منطقه قفقاز جنوبی را تشکیل می‌دهند که بین دریای خزر در شرق، دریای سیاه در غرب، روسیه در شمال واقع شده و در جنوب با جمهوری اسلامی ایران ۷۶۷ کیلومتر مرز مشترک دارد که این منطقه به لحاظ جغرافیایی جزئی از سواحل رود ارس به شمار می‌رود. این کشور در بین کشورهای قفقاز جنوبی به جهت وسعت و جمعیت بیشتر، منابع انرژی فسیلی، آب و خاک نسبتاً مناسب به طور بالقوه بیشترین امکانات را برای رشد کشور و رسیدن به قدرت ملی بالا داراست و دارای موقعیتی ویژه است که از گذشته‌های دور مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. به طور کلی می‌توان گفت که جمهوری آذربایجان به جهت شرایط طبیعی و اقلیمی خود یکی از بهترین سرزمین‌هاست. از سوی دیگر موقعیت جغرافیایی جمهوری آذربایجان و قرار گرفتن این منطقه بر سر راه‌های غرب و شرق و به عبارت دیگر اروپا و کناره‌های قفقاز، زمینه‌های مساعدی برای پیشرفت اقتصادی این منطقه فراهم می‌آورد (صیدی، ۱۳۸۸: ۷۴).

۳- مرزها و شکل کشور

شکل کشور آذربایجان چند پهلو و نامناسب بوده و در عین برخورداری از امنیت طبیعی ضعیف، از عمق استراتژیکی مناسبی برخوردار است (افشردی، ۱۳۸۱: ۲۳۹). مرزهای بین‌المللی آذربایجان از دیدگاه امنیتی دارای ویژگی‌های خاص هستند. آذربایجان

دارای ۲۴۰ کیلومتر مرز مشترک با روسیه و ۳۴۰ کیلومتر مرز با گرجستان است که مرزی کم تحرک و دوستانه محسوب می‌شود. مهمترین مرز آذربایجان از دیدگاه دفاعی-امنیتی، مرز مشترک ۷۶۶ کیلومتری این کشور با ارمنستان است که یک منطقه فعال امنیتی به شمار می‌رود و گذرگاه لاجین در مرز «تنگه لاجین» مهمترین معبر استراتژیک در این منطقه می‌باشد (امیراحمدیان، ۱۳۸۲: ۱۳). آذربایجان با وجود برخورداری از ۸۲۵ کیلومتر ساحل در دریای خزر از موقعیت ساحلی برخوردار نبوده و به آبهای آزاد راه ندارد. در عین حال مرز دریایی آذربایجان و وجود بندر باکو در این منطقه با توجه به مناقشه دیرین آذربایجان و ارمنستان دارای نقش حیاتی و استراتژیک برای این کشور بوده و از عمق نسبتا مناسبی در برابر تهاجم‌های ارامنه برخوردار است (افشردی، ۱۳۸۱: ۱۶۲).

۴- منابع آب و رودخانه‌ها

از نظر منابع آب، مهمترین متغیر از دیدگاه دفاعی-امنیتی قرار گرفتن رودخانه‌های مهم آذربایجان در مناطق مرزی با همسایگان خود ایران، گرجستان و ارمنستان و عبور یا سرچشمه گرفتن بسیاری از این رودخانه‌ها و شعبات آن از خاک دو کشور اخیر می‌باشد. رودخانه‌های مرزی این کشور عبارتند از: آلازان و یوری در مرز گرجستان، رودخانه سامور در مرز با روسیه و ارس که آذربایجانی‌ها آن را آراز می‌خوانند در مرز ایران و ترکیه (امیراحمدیان، ۱۳۸۵: ۲۴).

رود کر بزرگ‌ترین رود قفقاز است که آذری‌ها آن را کورا می‌خوانند. کورا بزرگترین رودخانه‌ای است که در آذربایجان جریان دارد (www.Icweb2.Ioc.gov). ارس دومین رود آذربایجان است. رود ارس که به ترکی آذربایجانی به آن آراز می‌گویند نام رودخانه‌ای نسبتا پرآب و خروشان است که از منطقه آرپاجای ارزروم واقع در آناتولی ترکیه از ارتفاعات ۲۶۰۰ متری بینگل^۱ سرچشمه گرفته، از مرز ترکیه، نخجوان، جلفا و

ارمنستان گذشته و در محدوده صابر آباد ایمیشلی به دو شاخه تبدیل می‌شود شاخه‌ای از آن مستقیماً به خزر می‌ریزد و شاخه‌ای دیگر از آن پس از پیوستن به رود بزرگ کورا در نهایت به خزر می‌ریزد. در واقع این رود از ریزش گاه رود کورا برخوردار است (www.Eurasinet.org).

۵- توپوگرافی آذربایجان

سرزمین آذربایجان به لحاظ طبیعی و توپوگرافی به پنج منطقه متمایز تقسیم می‌شود:

۱. ناحیه قفقاز کوچک: این قسمت کوه‌های موروداغ، سوان شرقی، زنگه زور، درلیز، قره باغ، فلات قره باغ و قسمتی از رشته کوه‌های موغروز را در برمی‌گیرد. رودهای آقاستفا، شامخور، طاووس، زهیم، قوشقا، گنجه، ترتر، خاچین و... از رشته کوه قفقاز کوچک سرچشمه گرفته در خاک آذربایجان جاری می‌شوند. دریاچه کوهستانی گویگل که از معروف‌ترین و زیباترین دریاچه‌های کوهستانی است در ارتفاعات این رشته کوه واقع شده است. معادن ارزشمند طلا و مس «گنده بی» آهن «داشکسن» منگنز، آلونیت گرانت، مرمر و کبالت در این ناحیه وجود دارد.

۲. ناحیه جمهوری خودمختار نخجوان. اراضی این جمهوری به سه قسمت دشت‌های هموار، پای کوه‌ها و نقاط کوهستانی تقسیم می‌شود.

۳. جلگه کر ارس: بارندگی کم است و بسیاری از قسمت‌های این جلگه را مراتع زمستانی تشکیل می‌دهد.

۴. ناحیه قفقاز بزرگ: قسمت‌های جنوب شرقی رشته کوه‌های قفقاز بزرگ در اراضی آذربایجان قرار دارد. این قسمت از قله ۳۳۸۵ متری تینو و روسو آغاز و تا جزیره آبشرون کشیده می‌شود. مرتفع‌ترین قله آذربایجان با نام «بازاردوزو» در این ناحیه واقع است.

۵. ناحیه کوهستانی تالش و جلگه لنکران. رشته کوههای تالش دارای سه رشته اصلی است. در میان آنها طولانی ترین رشته کوههای تالش است که همجوار با ایران به طول ۱۰۰ کیلومتر کشیده شده است و تا هشت کیلومتری ساحل خزر ادامه دارد (امیراحمدیان، ۱۳۸۲: ۱۰-۹).

۶- اهمیت استراتژیک کوههای قره باغ

کوههای قفقاز کوچک در منطقه قره باغ سدی دفاعی و طبیعی در مقابل مناطق هموار و دشت‌های شیروان و گنجه پدید آورده است. این بلندی‌ها دارای اهمیت نظامی فراوان است. با استقرار نیروهای نظامی در این بلندی‌ها، می‌توان راه‌های ارتباطی آذربایجان را در دشت‌های پیرامون در دسترس توپخانه قرار داد، موردی که ارمنستان با در اختیار داشتن این بلندی‌ها از آن بهره‌مند شده است. ارمنستان این منطقه را جزو وحدت جغرافیایی خود دانسته و آن را مکمل خود می‌داند. آذربایجان نیز معتقد است که این منطقه کوهستانی مکمل آذربایجان است (امیراحمدیان، ۱۳۸۴: ۳۲۳). هم‌اکنون منطقه قره باغ کوهستانی و اطراف آن که در حدود ۲۰ درصد از خاک آذربایجان است، در اشغال ارمنستان می‌باشد (افشردی، ۱۳۸۱: ۱۰۲).

۷- وضعیت اقلیم

از لحاظ آب و هوایی، جمهوری آذربایجان دارای چندین نوع آب و هوای مختلف است. به طوری که ۱۱ ناحیه آب و هوایی ۹ گونه ناحیه در آذربایجان وجود دارد. اقلیم آذربایجان نیز متأثر از این وضعیت است، به گونه‌ای که از سواحل دریای خزر تا کوهستان‌های نخجوان تنوع آب و هوایی را شاهد هستیم. بیش از نصف مساحت این کشور کوهستانی است و نیز وجود اقلیم‌های خاص باعث شده است تا فرسایش آبی و بادی پدیده‌ای رایج در این سرزمین باشد. طی ۵۰ سال گذشته نزدیک به ۱۵ درصد از اراضی کشور در معرض فرسایش قرار گرفته‌اند (واحدی، ۱۳۸۲: ۱۰۰).

جمهوری آذربایجان در مناطق مرکزی و شرقی دارای آب و هوای زیر استوایی خشک با زمستان‌های ملایم و تابستان‌های طولانی و بسیار گرم است. متوسط دما در این مناطق ۲۷ درجه است که حداکثر به ۴۷ درجه نیز می‌رسد. جنوب این کشور با بیشترین میزان بارش از ۱۲۰۰ تا ۱۴۰۰ میلی‌متر مواجه است (اسدی کیا، ۱۳۸۷: ۱۴).

ویژگی‌های متغیر

۱- وضعیت سیاسی آذربایجان

نوع حکومت آذربایجان، جمهوری دموکراتیک غیر مذهبی است. رئیس جمهور، رئیس حکومت و قوه مجریه است فرامین و دستورهای ایشان، اصول و ساختار حکومت را تشکیل می‌دهد. حق انحلال مجلس را ندارد اما می‌تواند تصمیم‌های آن را وتو کند. رئیس جمهور با رای مردم برای یک دوره پنج ساله انتخاب می‌شود. قانون اساسی جدید آذربایجان که در دوازدهم نوامبر ۱۹۹۵ با کسب ۹۱/۹ درصد رای موافق در یک فراندوم ملی به تصویب رسید، نظام سیاسی این کشور را به سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه تقسیم می‌کند. قوه مقننه که ۱۰۰ نفر از اعضای آن با رای مستقیم مردم و ۲۵ نفر باقی مانده با رای الکترال برای یک دوره پنج ساله انتخاب می‌شوند (واحدی، ۱۳۸۲: ۱۵۶). قوه قضائیه از دیوان عالی کشور، دادگاه اقتصادی، دادگاه قانون اساسی و دادگاه‌های خاص و عام تشکیل می‌شود. قضات این دادگاه‌ها از سوی رئیس جمهور و با تایید مجلس ملی انتخاب می‌شوند (واحدی، ۱۳۸۲: ۱۵۹).

۲- ساختار اجتماعی - مذهبی

آذربایجانی‌ها مسلمان بودن و ترک بودن را دو جنبه اساسی هویت ملی خود می‌انگارند. دین مسیحیت برای اولین بار در قرن اول میلادی وارد سرزمین فعلی آذربایجان شد و در قرن پنجم میلادی به صورت یک دین رسمی درآمد. پس از ورود دین اسلام،

مسیحیت جای خود را به اسلام داد، اما بعد از تسلط روس‌ها، دوباره حضور مسیحیت در این سرزمین ادامه پیدا کرد. دین اسلام در قرن هفتم میلادی به وسیله اعراب به آذربایجان نفوذ کرد. در اثر فشارها و آزار و اذیت مسلمانان اهل سنت در خاک آذربایجان از سوی روس‌ها، تعداد زیادی از این افراد خاک آذربایجان را ترک کردند. جمهوری آذربایجان بعد از استقلال از شوروی دارای ۸۷ درصد جمعیت مسلمان بود، اما به دنبال خروج جمع زیادی از روس‌ها و آرامنه به ۹۳/۴ درصد رسید (واحدی، ۱۳۸۲: ۳۱۳).

در حال حاضر مسیحیان ۴/۸ درصد از جمعیت را تشکیل می‌دهند و بعد از اسلام دومین دین در آذربایجان است. مسیحیان فاقد سازمان‌ها و نهادهای مهم سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هستند. بیشتر مسیحیان روس بعد از استقلال آذربایجان به خاطر ذهنیت منفی مردم مسلمان نسبت به آن‌ها خاک این کشور را ترک کردند. جمعیت یهودیان آذربایجان حدود ۱۶ هزار نفر است که به طور عمده در باکو و اوغوز سکونت دارند (احمدی، ۱۳۸۵: ۲۸).

یکی از معضلات اجتماعی کشورهای جهان سوم از جمله جمهوری آذربایجان، نبود آمارهای دقیق بر پایه اصول علمی شناخته شده می‌باشد. سرشماری‌های منظم صورت نمی‌گیرد و آمارها بر اساس خواست و سیاست‌های حکومت‌ها دست کاری می‌شوند. جمعیت شیعیان، اهل سنت و سایر مذاهب اسلامی و غیر اسلامی به صورت شفاف و دقیق بیان نمی‌شود. بلکه با ملاحظات سیاسی - امنیتی مطرح می‌شود. به عنوان نمونه در حالی که جمعیت تالش جمهوری آذربایجان بیش از ۱۰ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهد در آمارهای رسمی گنجانده نمی‌شود و یا خیلی پایین اعلام می‌شود (جباری، ۱۳۸۹: ۶۶).

عده‌ای از اسلام‌گرایان همچون حاج علی اکرام علی یف، درصد جمعیت شیعه کشور را ۸۵ درصد الی ۹۰ درصد اعلام کرده و معتقدند افرادی که درصد جمعیت شیعه را پایین مطرح می‌کنند، اغراض سیاسی دارند. طلاب علوم دینی جمهوری آذربایجان ۸۳

درصد جمعیت را شیعه می‌دانند که همه شیعیان ۱۲ امامی هستند (جباری، ۱۳۸۹: ۶۷). جمهوری آذربایجان به لحاظ درصد جمعیت، دومین کشور شیعه جهان اسلام می‌باشد اما بسیاری از محافل داخلی و خارجی، با اغراض سیاسی و امنیتی تلاش می‌کنند تا درصد جمعیت شیعیان این کشور را پایین اعلام نمایند، اما آنچه از اسناد معتبر به دست آمده است حاکی از این است که بیش از ۸۰ درصد از مسلمانان این کشور را شیعیان تشکیل می‌دهند (جباری، ۱۳۸۹: ۱۴).

طبق برآورد صورت گرفته در سال ۲۰۱۰ م جمعیت آذربایجان حدود ۹,۱۱۱,۱۰۰ نفر تخمین زده شده است از این تعداد ۲۲/۶ درصد را افراد زیر پانزده سال تشکیل داده و نرخ رشد جمعیت در این کشور ۱/۳ درصد است که چهاردهمین نرخ رشد در آسیا به شمار می‌رود (www.president.az, ۱۳۹۰).

کشور آذربایجان تنها کشور مسلمان قفقاز شناخته می‌شود از این رو برخلاف دولت سکولار آذربایجان، مذهب نقش بسزایی در میان مردم این کشور ایفا می‌کند. با وجود آنکه تشیع نقش برجسته‌ای در ایجاد وفاق ملی در طول تاریخ برای حفظ کیان سرزمین آذربایجان در طول تاریخ داشته است لیکن با این حال، دولت آذربایجان به دلیل ماهیت سکولار و لائیک خود، در زمره‌ی کشورهای است که به واسطه تاکید بیش از حد به ملی‌گرایی نمی‌تواند از عنصر قدرتمند دین مشترک به عنوان یکی از عناصر تشکیل دهنده «دولت- ملت»^۱ در محدوده سرزمینی خود بهره بگیرد. این در حالی است که دولت آذربایجان از یک مناقشه وسیع و تهدید کننده امنیت ملی اش در مقوله قره باغ رنج می‌برد. مساله مهاجران جنگی و آوارگان جنگ قره باغ، یکی از مهم ترین مشکلات آذربایجان است، چرا که پس از استقلال این کشور و کشتار ساکنین آذری قره باغ به وسیله ارمنه،

سیل مهاجران مسلمان از رایون‌های همجوار قره باغ به سوی شهرهای مرکزی این کشور سرازیر شد (امیراحمدیان، ۱۳۸۷: ۱۲).

در اثر تداوم وضعیت جنگی ۲۰ ساله میان ارمنستان و آن کشور و اشغال مستمر همان مناطق علاوه بر استمرار مشکل آوارگان، بحران مشروعیت سیاسی را نیز برای هیات حاکمه آذربایجان رقم می‌زند. سیاست‌های یکسان سازی فرهنگی اعمالی از سوی دولت آذربایجان در برخورد با سایر اقلیت‌های قومی این کشور، به ویژه تالشی و لزگی، موجبات فعال ماندن گسل قومیتی در آن کشور و تقویت واگرایی آنها شده است (امیراحمدیان، ۱۳۷۶: ۴۵).

از این رو سعی دولت آذربایجان برای استفاده از نمادهای ملی به منظور همگرایی گروه‌ها و فرقه‌های مختلف قومی در این کشور بی نتیجه مانده و تاریخ این کشور با درگیری‌های قومی و مذهبی پیوند خورده است. درگیری‌های خونین بین آذری‌ها با ارامنه و در برخی موارد درگیری بین اقوام مختلف لزگی و تالشی با دولت آذربایجان از نکات قابل توجه در این زمینه است (امیراحمدیان، ۱۳۸۱: ۶۴).

از چالش‌های فرا روی دولت آذربایجان در زمینه اجتماعی می‌توان به رواج فساد در بین جوانان این کشور، منازعات با منشا قومی و قبیله‌ای، به ویژه میان ارامنه و شکل‌گیری زمینه‌های واگرایی از سوی نخجوانی‌ها نام برد.

۳- ساختار دفاعی - نظامی

شروع جنگ آذربایجان و ارمنستان بر سر مساله قره باغ در سال‌های نخست استقلال این کشور موجب اهمیت نیروهای مسلح به عنوان یکی از نخستین نهادهای ملی در آذربایجان شد و تداوم این تخصص و تهدیداتی که آذربایجان از جانب ارمنستان و جدایی طلبان قره باغ احساس می‌کرد، باعث گسترش نهادهای نظامی، دفاعی و امنیتی و بسط نفوذ آنها در ساختار حکومتی شده است و در واقع از سال ۱۹۹۳ به بعد بحران قره باغ به عنوان

مهم‌ترین عامل در تهدید مشروعیت حاکمان کشور تلقی می‌شود و تداوم این وضعیت طی دو دهه، این روند را تبدیل به احساس تاریخی و هویت ویژه برای قره باغ به عنوان «سرزمینی از دست رفته» کرده است. ارتش به دلیل ضعف مفرط خود در جریان اشغال قره باغ از یک بحران مقبولیت رنج می‌برد و سعی می‌کند شکست خود در آن جنگ را به انحای گوناگون توجیه کند (افشردی، ۱۳۸۱: ۲۰۳). بنابراین ارتش آذربایجان در بین مردم دارای جایگاه بایسته‌ای نبوده و نیروهای مسلح از قدرت سازماندهی و انسجام سازمانی کافی نسبت به سایر نهادها و سازمان‌ها برخوردار نیستند و به همین دلیل از ایفای نقشی موثر در تحولات داخلی و خارجی کشور باز می‌مانند. ساختار فرماندهی ارتش آذربایجان متأثر از الگوی روسی است. نیروی زمینی آذربایجان با دارا بودن ۵۴ هزار نفر از ۶۱ هزار نفر نیروی ارتش، مهم‌ترین بخش نیروهای مسلح آذربایجان محسوب شده و نیروی دریایی آذربایجان یکی از ضعیف‌ترین نیروهای دریایی در منطقه است (واحدی، ۱۳۸۵: ۱۱۴).

این کشور مجبور است به دلیل احساس تهدیدهای مستمر از سوی همسایگان خود و برخورداری از ۸۲۵ کیلومتر ساحل در دریای خزر از هر سه نیروی دریایی، هوایی و زمینی در ساختار ارتش خود بهره بگیرد که این امر با توجه به محدودیت منابع این کشور، هزینه‌ای مضاعف را بر پیکره‌ی دولت تحمیل می‌کند (افشردی، ۱۳۸۱: ۲۱۵).

تجهیزات نیروی هوایی آذربایجان عمدتاً بر سیستم‌های روسی و در برخی موارد اسرائیلی متکی است و این کشور با در اختیار داشتن حدود ۴۱ فروند هواپیمای جنگنده (افشردی، ۱۳۸۱: ۲۶۲) و ۶۰ فروند هواپیمای بدون سرنشین جاسوسی که عمدتاً در پایگاه‌های باکو، قبه و مناطق مرزی ایران مستقر می‌باشند (www.iras.ir, ۱۳۹۰)، از توانمندی پایین هوایی برخوردار است. ضمن اینکه بخش قابل توجه‌ای از ساختار تجهیزات هوایی این کشور به روسیه متکی بوده و آذربایجان با گرایش به سمت غرب و به ویژه رژیم صهیونیستی سعی در رفع نیازهای خود از آن را دارد. این در حالی است که

اسرائیلی‌ها در سازماندهی ساختار جدید ارتش آذربایجان و به ویژه نیروی هوایی آن کشور نقش اساسی داشته است (www.iras.ir, ۱۳۹۰).

دولت آذربایجان بر روی تجهیزات و آموزش‌ها و امکانات دریافتی از رژیم صهیونیستی حساب ویژه‌ای در نبرد احتمالی آتی این کشور با ارمنستان باز کرده است. دولت آذربایجان به دلیل نگاه ویژه‌ای که به ایران و روسیه به عنوان تهدید دارد (واحدی، ۱۳۸۵: ۲۵۴). برای برطرف نمودن ضعف خود در فقدان عمق استراتژیک مناسب در برابر آن دولت‌ها اقدام به گسترش روابط با ترکیه و سایر دول غربی نموده است و سعی می‌کند رابطه روزافزون خود با اسرائیل را از این منظر توجیه نماید.

۴- ساختار فرهنگی

فرهنگ را می‌توان به عنوان میراث اجتماعی جامعه به حساب آورد. این میراث نه تنها شامل تمام کالاها و ابداعات مادی، بلکه تولیدات فکری و روحی مانند عقاید، ارزش‌ها، باورها و تمایلات را نیز در بر می‌گیرد (مویر، ۱۳۷۹: ۳۲). ساختار فرهنگی هر جامعه یکی از مولفه‌های مهم در شکل‌گیری قدرت ملی محسوب می‌شود. ساختار فرهنگی و آموزشی آذربایجان همانند سایر کشورهای تازه استقلال یافته از اتحاد جماهیر شوروی، ساختاری تلفیقی است، از یک سو برخی از نهادها مبتنی بر عقاید، آداب و رسوم فرهنگ بومی است و از سوی دیگر برخی از نهادها، هنجارها و آداب و رسومی که جای مانده از دوران شوروی یا ارتباطات آن دوره می‌باشد (امیراحمدیان، ۱۳۸۱: ۵۷). نرخ بی‌سوادی در آذربایجان در سال ۲۰۱۰ حدود ۱۰ درصد بود (www.president.az, ۱۳۹۰).

۵- ساختار اقتصادی

با وجود محدودیت‌هایی که در دوران بلشویک‌ها و اتحاد جماهیر شوروی بر اقتصاد آذربایجان تحمیل شده است، اقتصاد این منطقه به علت داشتن موقعیت جغرافیایی

و طبیعی مناسب و دارا بودن ذخایر طبیعی سرشار برای توسعه اقتصادی در زمینه‌های گوناگون دارای امکانات فراوان است (امیراحمدیان، ۱۳۸۲: ۱۱۱).

در آذربایجان برای زمینه‌های گوناگون اقتصاد کشاورزی، شرایط طبیعی مناسب و به ویژه وجود شرایط اقلیمی از اهمیت خاصی برخوردار است، اما وجود کوهستان‌ها و اقلیم خشک و نیز شور شدن خاک، فرسایش و گسترش بیابان‌زایی، مدیریت کشاورزی را با اشکالات فراوان روبرو کرده است. همچنین اشغال ۲۰ درصد از اراضی این کشور که اتفاقاً از مرغوب‌ترین اراضی زراعی آن محسوب شده و ضمن تولید ۴۰ درصد محصولات کشاورزی این جمهوری، ۲۹ درصد جمعیت کشور را در خود جای داده بود اقتصاد کل جمهوری را دگرگون ساخته و توسعه زندگی سیاسی راه خروج از بحران شده است (امیراحمدیان، ۱۳۸۲: ۱۱۶). در عین حال این کشور از منابع ارزشمندی چون نفت، گاز طبیعی و سنگ آهن برخوردار است، معادن مس و طلای گنده‌بی در محدوده رایون اشغالی کلبجر از معادن بی‌نظیر جهان است (واحدی، ۱۳۸۲: ۱۲۴).

بسترهای همگرایی در روابط ایران و جمهوری آذربایجان

به نظر می‌رسد، مجموعه عواملی که می‌توان در روابط ایران و جمهوری آذربایجان به عنوان فرصت‌های موجود معرفی کرد به شرح ذیل است:

برخورداری از دین و مذهب مشترک

اسلام دین مشترک مردم آذربایجان و ایران است. داشتن دین مشترک زمینه معنوی و فرهنگی مساعدی را برای نزدیکی روابط مردم دو کشور ایجاد می‌کند. مذهب در آذربایجان در قرن‌های متمادی برای حیات عمومی الزام‌آور بوده است. از دوران قدیم تقریباً تمام جنگ‌ها، اصلاحات و فرایندهای سیاسی در آذربایجان تحت لوای مذهب به وقوع پیوسته است (Valiyer, ۲۰۰۵).

این ویژگی در مورد ایران نیز صدق می‌کند. به نحوی که بسیاری از تحولات سیاسی و اجتماعی ایران هم در طول تاریخ متأثر از آموزه‌های اسلامی بوده و تشیع نیز مذهب اصلی مردم دو کشور به شمار می‌رود. بعد از ایران، آذربایجان تنها کشوری است که بیشترین شیعه را در خود جای داده است (www.azerbaijan24.com).

طبق نظر استراتژیست‌های ایرانی، تشیع علاوه بر عوامل دیگر (تاریخ مشترک، برخی ارزش‌های فرهنگی مشترک و غیره) نقش بسیار مهمی در ایجاد پایه‌های نفوذ ایران در آذربایجان ایفا می‌کند. در واقع مذهب، عنصر اصلی پیوند آذربایجان با ایران است. به همین دلیل جمهوری آذربایجان از نظر میزان همبستگی و انسجام اجتماعی در بعد مذهبی در سطح بالای همگرایی با ایران قلمداد می‌شود. از این رو عامل دین و مذهب به طور بالقوه از عوامل مهم و موثر در تقریب روابط ایران و جمهوری آذربایجان به حساب می‌آید (بیگدلی، ۱۳۷۷: ۱۶۲).

اشتراکات تاریخی و فرهنگی

سابقه وحدت بین جمهوری آذربایجان با ایران به دوره هخامنشیان بر می‌گردد و نفوذ فرهنگ و زبان ایران در این منطقه به آن دوره زمانی مربوط است، بنابراین اگر دوره جدایی دو کشور از اوایل قرن ۱۳ و سده‌های پیش از صفوی‌ها را در نظر بگیریم ملاحظه می‌شود که ایران و آذربایجان سابقه تاریخی مشترک حدود هزار ساله دارند و از این رو دارای میراث تاریخی مشترک هستند.

امروزه نمونه‌های زیادی در دسترس است که بیانگر میراث مشترک دو ملت می‌باشد. وجود شعرا و بزرگانی چون نامی گنجوی، خاقانی شیروانی و اندیشمندان مسلمانی چون لنکرانی و نخجوانی و صدها نمونه دیگر خود دلایل محکمی بر وجود سابقه تاریخی مشترک دو ملت است. بعد از استقلال جمهوری آذربایجان و فروپاشی اتحاد شوروی ارتباط فرهنگی میان ایران و این جمهوری گسترش یافت. انتشار کتاب، برگزاری

سمینارها و کنفرانس‌های فرهنگی، تاسیس مراکز آموزشی، فرهنگی و... از جمله ابعاد و روابط دو طرف در حوزه فرهنگی بوده است (امیری، ۱۳۸۶: ۲۵۶). ضمن اینکه عامل زبان ترکی که بخشی از مردم ایران در استان‌های همجوار با این جمهوری و سایر نقاط به آن تکلم می‌کنند یکی دیگر از اشتراکات مهم فرهنگی دو ملت می‌باشد. وجود زبان مشترک عامل مهمی برای توسعه تبادلات و همکاری‌های مشترک در امور مختلف فرهنگی است.

وجود پتانسیل مناسب برای همکاری‌های اقتصادی و نزدیکی ژئوپلیتیک

ظرفیت‌های موجود برای همکاری اقتصادی و بازرگانی یکی از متغیرهای مهمی است که می‌تواند نقش مثبت و سازنده‌ای در توسعه روابط میان ایران و جمهوری آذربایجان داشته باشد. شرایط دو کشور به دلیل قرارگیری در وضعیت کشورهای درحال توسعه از یک طرف و قرابت جغرافیایی دو کشور از طرف دیگر پتانسیل مناسبی را برای توسعه همکاری‌های اقتصادی دوجانبه فراهم کرده است.

علی‌رغم نابسامانی اقتصادی که در سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۳ به واسطه استقلال از اتحاد جماهیر شوروی و مناقشه قره باغ به وجود آمد، اقتصاد آذربایجان نسبت به همسایگان خود از جمله ارمنستان و گرجستان و برخی از دولت‌های آسیای مرکزی در شرایط بهتری قرار داشت (www.monagaba.com).

این روند در سالهای بعد نیز به طور محسوسی ادامه داشت. بررسی آماری روابط اقتصادی ایران و جمهوری آذربایجان در سالهای اخیر حاکی از رشد میزان روابط اقتصادی دو طرف محسوب شده و نزدیکی جغرافیایی و وجود راههای مناسب برای توسعه مبادلات از جمله مهمترین عوامل بوده است.

به طور مثال در سال ۱۳۸۸ صادرات کل ایران به آذربایجان به ارزش ۳۷۳،۷۹۱،۳۶۰ دلار و در سال ۱۳۸۹ به ارزش ۳۷۵،۴۶۴،۰۱۱ دلار و در سال ۱۳۹۰ به ارزش ۴۶۴،۴۱۰،۱۶۰ دلار بوده است. در همین سال سهم ایران از کل واردات از آذربایجان در سال ۱۳۸۸ به ارزش

۱۷۱،۶۵۷،۵۰۵ دلار و در سال ۱۳۸۹ به ارزش ۱۱۱،۵۰۲،۱۸۵ دلار و در سال ۱۳۹۰ به ارزش ۳۷۴۹۴۲۸۶،۹۷ دلار بوده است. بطور کلی روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان دارای فراز و نشیب بوده و ایران در زمینه اقتصادی می‌تواند بیشترین تأثیر را بر جمهوری آذربایجان داشته باشد (www.irica.gov.ir).

زمینه‌های واگرایی در روابط ایران و جمهوری آذربایجان

قرار گرفتن جمهوری آذربایجان در مسیر ترانزیت کالا و انرژی ایران به کشورهای اروپایی و روسیه، وجود آذری زبان‌ها در ایران و در همسایگی کشور آذربایجان با جمعیت قابل توجه و نیز وجود زمینه‌های مشترک تاریخی، مذهبی، تمدنی و فرهنگی اهمیت روابط دو کشور را کاملاً آشکار ساخته است. علیرغم این بستر مناسب روابط دو کشور با فراز و نشیب‌های متعددی در طول نزدیک به دو دهه همراه بوده و در مقطع کنونی نیز در شرایط مساعدی قرار ندارد. چنانچه مثلاً هم‌زبانی مردم جمهوری آذربایجان با بخشی از مردم ایران که در سرشت خود منفی نیست، به دلیل برخی تنش‌ها میان دو کشور، نقش منفی آمریکا و رژیم اسرائیل و نیز فعالیت جریان‌های تجزیه طلب در ایران، به جای اثرگذاری مثبت در روابط دو کشور، نقش منفی ایفا کرده است (کولایی، ۱۳۸۹: ۸۷).

رژیم حقوقی دریای خزر

مسئله تقسیم دریای خزر و تعیین رژیم حقوقی آن از مهمترین عناصر تأثیرگذار در تعیین مناسبات دو کشور است. موضوع رژیم حقوقی دریای خزر یک مسئله حقوقی است، ولی به لحاظ تأمین منافع ملی و افکار عمومی دو کشور، خصوصاً ایران که مناطقی از شمال کشور را در قرون گذشته از دست داده است از حساسیت خاصی برخوردار می‌باشد. طبق دیدگاه جمهوری اسلامی، ایران رژیم حقوقی خزر باید با توجه به قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ و بر اساس ۵۰ درصد سهم مشاع ایران تعیین شود و اگر کشورهای ساحلی

اصرار بر تقسیم دریا داشته باشند، حداقل سهم ایران، ۲۰ درصد در سطح منابع آبی و همچنین بستر دریا خواهد بود. در مقابل دیدگاه آذربایجان کاملاً متفاوت است. از دیدگاه این کشور، سطح خزر می‌تواند به صورت مشاع مورد بهره‌برداری مشترک کشورهای ساحلی قرار گیرد، اما بستر دریا باید بر اساس طول خط ساحلی کشورها تقسیم شود (عباسی، ۱۳۸۸: ۱۲).

نکته این است که حرکت به سوی یک راه حل بینابینی مبتنی بر واقعیات موجود منطقه، تنها راه حل اساسی برای حل این مشکل است. هر از گاهی اختلاف ایران در مورد رژیم حقوقی دریای خزر، روابط ایران را با جمهوری آذربایجان تیره ساخته و از طرف دیگر، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، افزایش کشورهای ساحلی این دریا از دو به پنج کشور موضوع تعیین نظام حقوقی جدید برای این دریا را مطرح کرد و همین امر سرآغاز شکل‌گیری اختلافات میان کشورهای ساحلی بود.

به تدریج صف بندی‌های جدیدی در این دریا شکل گرفت که مطابق آن سه جمهوری آذربایجان، قزاقستان و روسیه با نزدیک کردن دیدگاه‌های خود به یکدیگر و تلاش برای جذب ترکمنستان در این گروه تلاش کردند تا موضع خود را در برابر رژیم حقوقی دریای خزر را به ایران بقبولانند. در این میان جمهوری اسلامی ایران به دلایل ژئوپلیتیکی و برخورداری از مرز مشترک با جمهوری آذربایجان بیشترین اختلاف و تنش را در مورد رژیم حقوقی دریای خزر با این کشور داشته است. ایران ابتدا از اصل مشترک و مشاع بودن دریای خزر حمایت کرد و پس از مخالفت سایر کشورهای ساحلی بر اصل تقسیم برابر این دریا تأکید نمود. این درحالی است که جمهوری آذربایجان خواستار تقسیم دریای خزر (بستر، سطح و فضای آب با همدیگر در کنار منابع طبیعی آن) به بخش‌های ملی تحت حاکمیت کامل دولت ساحلی است (merzaliakov, ۱۹۹۹: ۱۲۳).

اتخاذ این دو دیدگاه مخالف نسبت به رژیم حقوقی دریای خزر از طرف ایران و آذربایجان موجبات تلاقی منافع و دیدگاه‌های آن‌ها در حوزه خزر را فراهم کرده و این مسئله یکی از عوامل تأثیرگذار بر کیفیت روابط ایران و جمهوری آذربایجان در سال‌های اخیر بوده است. (امیری، ۱۳۸۶: ۲۶۵)

مسئله بحران قره باغ

یکی از پایدارترین مناقشات شوروی سابق، بحران ناگورنو قره باغ است. در سال ۱۹۸۸ زمانی که هیئت مقننه این منطقه قطعنامه‌ای را برای پیوستن به ارمنستان به تصویب رساند مناقشه قره باغ اوج گرفت. این منطقه به لحاظ قانونی در چارچوب مرزهای آذربایجان قرار دارد. اما اکثر ساکنان آن را قوم ارمنی تشکیل می‌دهند. در سال‌های پایانی حیات شوروی این منطقه توانست از آذربایجان جدا شود و در نهایت خشونت‌هایی به وجود آمد که صدها هزار آواره بر جای گذاشت. زمانی که اتحاد جماهیر شوروی فرو پاشید، هیئت قانون گذاری قره باغ تصمیم به اعلام استقلال کامل گرفت. در سال ۱۹۹۲ جنگ تمام عیار میان آذربایجان و ارمنستان در گرفت. تا سال ۱۹۹۳ نیروهای ارمنستان نزدیک به ۲۰ درصد از اراضی آذربایجان در اطراف قره باغ را اشغال کرده و صدها هزار آذری را به بیرون رانده بودند. این وضعیت تا زمان برقراری آتش بسی که با میانجیگری روسیه در ۱۹۹۴ به انجام رسید، ادامه پیدا کرد. در حال حاضر منطقه قره باغ و مناطق اطراف آن در کنترل ارمنستان قرار دارد (beehner, ۲۰۰۵).

درباره موضع جمهوری اسلامی ایران در قبال این مناقشه باید اظهار داشت که ایران برای جلوگیری از خونریزی و کشتار مردم مسلمان آذربایجان و برقراری آتش بس در منطقه اقدامات میانجیگرانه‌ای را از ابتدا آغاز کرد و بر حفظ تمامیت ارضی آذربایجان تأکید نمود. اولین مذاکرات رو در روی نمایندگان ویژه جمهوری ارمنستان و آذربایجان در مورد قره باغ در ۲۴ اسفند ۱۳۷۰ در تهران برگزار شد. جمهوری اسلامی ایران گذشته از اقدامات و

تلاش‌های میانجی‌گرایانه در حل بحران قره باغ، درباره کمک رسانی و امداد و... از هیچ کوششی دریغ نکرد. از جمله اقدامات ایران ایجاد اردوگاه منطقه صابر آباد در جمهوری آذربایجان برای اسکان آوارگان بحران قره باغ در خرداد ۱۳۷۳ و اسکان آذربایجانی‌ها در اردوگاه ایمیشلی بود که به وسیله هلال احمر در آبان ۱۳۷۲ بر پا شد (beehner, ۲۰۰۵).

در سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۵) و همزمان با اوج گیری مجدد مذاکرات صلح قره باغ مسئله حضور ایران در گروه مینسک به عنوان ناظر از سوی فیلیپ دسورمن رئیس فرانسوی وقت گروه مینسک مطرح شد اما با مخالفت استیون مان رئیس آمریکایی گروه مینسک مواجه شد. در هر حال در این دوره اسناد همکاری بین ایران و آذربایجان در زمینه‌های مختلف از جمله حمل و نقل به ویژه طرح اتصال خطوط آهن ایران- آذربایجان- روسیه، انرژی، برق، سد سازی، امور گمرکی و ... نشان داد که ایران تا چه حد دیدگاه مثبتی با آذربایجان داشته و از ایده حل عادلانه و مسالمت آمیز مناقشه حمایت می‌کند اگرچه رسانه‌های غرب گرای جمهوری آذربایجان در این مقطع مدعی حمایت ایران از ارمنستان بودند (موسوی، ۱۳۹۱: ۲۵).

با این حال و علی رغم اتخاذ سیاستی اصولی از طرف جمهوری اسلامی ایران در قبال مناقشه قره باغ به نظر می‌رسد که مقامات جمهوری آذربایجان به دلیل روابط رو به رشد ایران با ارمنستان رضایت کاملی از موضع ایران در این خصوص نداشته و خواستار آن هستند که با توجه به همبستگی‌های فرهنگی و تاریخی میان دو کشور طرف ایرانی مواضع قاطع‌تری در حمایت از جمهوری آذربایجان اتخاذ کند. در این رابطه حتی دولت حیدرعلی‌اف در مورد حمایت ضمنی ایران از ارمنستان در خصوص موضوع قره باغ ابراز ناامیدی کرده بود (امیری، ۱۳۸۶: ۲۶۶).

الهام علی‌اف در سال ۱۳۸۲ (۲۰۰۳) و در شرایطی که پدرش حیدر علی‌اف در بستر بیماری بود، به عنوان نخست وزیر جمهوری آذربایجان منصوب شد و در انتخابات ریاست جمهوری ۲۳ آبان ۱۳۸۲ (۱۵ اکتبر ۲۰۰۳) به عنوان رئیس جمهور آذربایجان

انتخاب شد. با فوت حیدر علی اف پرونده قطور ۱۵ ساله مناقشه قره باغ به الهام علی اف واگذار شد و از آنجا که تا آن زمان به رغم دهها دور مذاکره منفعت قابل اتکایی برای جمهوری آذربایجان به ارمغان نیامده بود. الهام علی اف ایده بازگشت به نقطه صفر را مطرح کرد که در ظاهر با مخالفت ارمنستان مواجه شد. با وجود این پس از دیداری که در سال ۱۳۸۳ (۲۰۰۴) الهام علی اف و رابرت کوچاریان در پراگ داشتند روند جدیدی به نام روند پراگ در مناقشه قره باغ شروع شد که به مسئله آزادی تعدادی از شهرهای آذربایجان در خارج از قره باغ توجه بیشتری داشت. در این مقطع مناسبات ایران با دو کشور درگیر در مناقشه به ویژه جمهوری آذربایجان سیر صعودی یافت. به طوری که در سال ۱۳۸۳ (۲۰۰۴) سید محمد خاتمی رئیس جمهوری وقت ایران از جمهوری آذربایجان دیدار کرد. در سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۵) نیز الهام علی اف از ایران دیدار نمود. در مجموع این دیدارها حدود بیست سند همکاری میان دو کشور به امضا رسید.

این مناقشه یک مسئله ملی و حیاتی برای جمهوری آذربایجان است. تداوم این مناقشه در طول دهه گذشته به مجموعه‌ای از عوامل نژادی، قومی، تاریخی و همچنین نقش قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بستگی داشته است. در حال حاضر چگونگی برخورد با این مناقشه و نقش قدرت‌های درگیر در آن یکی از دلمشغولی‌های اصلی رهبران آذربایجان است. یکی از مفاهیم پایدار در تحلیل مناسبات ایران و آذربایجان نقش مؤثر ایران در حل این بحران است. در طول دهه گذشته ایران با اتخاذ موضع بی طرفی، همواره سعی در حل بحران از طریق تفاهم و راه حل سیاسی داشته است. اهمیت این عنصر پایدار بر این اساس است که جمهوری آذربایجان این واقعیت را درک می‌کند که ایران از نفوذ گسترده اقتصادی و سیاسی و روابطی نزدیک با ارمنستان برخوردار است.

مسئله ملی گرایان، تحریک گرایش‌های جدایی طلبانه و سیاست‌های فرهنگی-مذهبی

یکی از عوامل چالش‌زا در روابط ایران و جمهوری آذربایجان تحرکات برخی عناصر و عوامل در داخل جمهوری آذربایجان درباره دامن زدن به گرایش‌های جدایی طلبانه است. این مسئله به طور خاص در چارچوب تلاش برای تحریک شهروندان آذربایجان ایران به مخالفت با حکومت مرکزی و نزدیکی به باکو صورت می‌گرفت.

طرح مسئله آذربایجان واحد در سال‌های حیات اتحاد جماهیر شوروی مطرح می‌شد، اما این موضوع به ویژه پس از استقلال جمهوری آذربایجان زمینه پیگیری بیشتری پیدا کرد. در اوایل دهه ۱۹۹۰ ابوالفضل ایلچی بیگ رئیس جمهور سابق آذربایجان آشکارا از اتحاد آذربایجان با استان‌های آذری شمال ایران حمایت کرد (vatanka, ۲۹/۰۱/۲۰۰۳).

در سال ۱۹۹۸ نیز اتحادیه آذربایجان واحد به وسیله ایلچی بیگ تأسیس شد. به نوشته روزنامه اکسپرس هدف اصلی این گروه ابلاغ حقایق مربوط به حقوق ملی و انسانی ۳۴ میلیون آذری ساکن ایران به مجامع جهانی و آزادی آنهاست (امیری، ۱۳۸۶: ۲۶۹). البته پس از به قدرت رسیدن حیدر علی اف رئیس جمهور سابق آذربایجان وی چندین بار موضوع وحدت آذربایجان ایران و جمهوری آذربایجان را رد کرد. با این حال این ایده از طرف بعضی احزاب و گروه‌ها و به خصوص رسانه‌های آذربایجان مورد تأکید و تکرار قرار گرفت. مقامات آذری نه تنها برخوردی جدی با عناصر و عوامل طرح کننده این ایده را نداشتند بلکه در پاسخ به اعتراضات طرف ایرانی، آزادی بیان را بهانه‌ای برای طرح این ادعاها قلمداد می‌کردند. حمایت فعال رسانه‌ای از عناصری مانند دامن زدن به بحث حقوق آذری‌ها در ایران از جمله موضوع حق برخورداری از مدارس آذری مستقل از جمله تحرکاتی است که در سال‌های گذشته در جمهوری آذربایجان به کرات انجام شده است (brown, ۲۰۰۲: ۶۸).

علاوه بر این، آنچه الهام علی اف در طول سال‌های گذشته علیه اسلام و تشیع انجام داده فهرست بلند بالایی است که همگی بر توسعه واگرایی با جمهوری اسلامی ایران مؤثر بوده است. از مهمترین این برنامه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. اعلام رسمی ممنوعیت حجاب در مدارس و دانشگاه‌ها و مقابله پلیسی-امنیتی با کسانی که پوشش اسلامی داشته باشند و حتی جلوگیری از ورود افراد محجبه به مدارس، دانشگاه‌ها و ادارات دولتی و اعمال محدودیت علیه آن‌ها و حتی جلوگیری از الصاق عکس بانوان محجبه بر روی گذرنامه و کارت‌های شناسایی.

۲. آزادی کامل یهودیان متمایل به حکومت «الهام علی‌اف» به علت مبارزه با نمادهای دینی، اسلامی و مذهبی همواره سرعت داشته و در انواع فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی آزاد هستند.

۳. انتشار کتاب موهن آیات شیطانی به صورت پاورقی در نشریه «یونیکال» چاپ باکو و سکوت کمیته دولتی امور دینی جمهوری آذربایجان و حتی بعضاً حمایت‌های مادی و معنوی از این نشریه توسط دولت.

۴. حمایت از نویسنده هتاک به پیامبر(ص) و ائمه معصومین علیهم السلام، یعنی رافیق تقی که خود را سلمان رشدی آذربایجان می‌نامید. رسانه‌های وابسته به دولت آذربایجان بعد از فوت این نویسنده هتاک، علیه جمهوری اسلامی ایران موجی از تبلیغات منفی راه انداختند و ایران را به مرگ وی متهم کردند.

۵. تبلیغ دولتی علیه دین اسلام همچون انتشار بیانیه‌ای توهین‌آمیز که در روزهای آغازین سال ۲۰۱۲ در مطبوعات آذربایجان منتشر شد. این بیانیه مدعی بود که دین اسلام به زور به مردم این سرزمین قبولانده شده است. این بیانیه که به نام ۵۴ نویسنده و روزنامه نگاران جمهوری آذربایجان صادر شد، در اصل توجیه کننده تئوریک اقدامات ضد دینی دولت علی‌اف بود. در این بیانیه عناصر ضد اسلام همچون میرزا فتحعلی آخوندزاده و

رافیق تقی تکریم شده‌اند و به پیوند فکری آنها با تئورسین‌های ضد دین و ضد خدا همچون مارکس و انگلس و نیچه افتخار شده است. در این بیانیه در کنار تکریم دشمنان اسلام و خدا، علیه اسلام، آیات عظام، مراجع تقلید و علمای اسلامی و مبانی و نمادهای اسلامی همچون فتوا و حجاب فحاشی شده است (www.farsnews.com).

به طور کلی وجود چنین تحریکاتی در داخل جمهوری آذربایجان موجبات نارضایتی و ناخرسندی طرف ایرانی از سیاست‌های باکو در سال‌های گذشته را فراهم کرده است. این مسئله یکی از چالش‌های مهمی است که تأثیری منفی را بر کیفیت روابط تهران-باکو بر جای گذاشته است.

روابط نزدیک باکو-تل آویو

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، رژیم اسرائیل با سرعت جمهوری‌های تازه استقلال یافته آسیای مرکزی و قفقاز را به رسمیت شناخت و به برقراری روابط دیپلماتیک با این کشورها و تأسیس سفارتخانه در اکثر این جمهوری‌ها اقدام کرد. در واقع یکی از اهداف مهم این رژیم از توجه به این کشورها مقابله با حضور مؤثر جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عربی، خروج از انزوای ژئوپلتیک و نیز افزایش نفوذ همه جانبه در این کشورها، استفاده از موقعیت‌ها و فرصت‌های اقتصادی این جمهوری‌ها و کسب وجهه بین‌المللی بود. تمایل به گسترش روابط از طرف تل آویو با استقبال این جمهوری‌ها مواجه شد زیرا سرمایه‌گذاری‌ها، تکنولوژی و تجربیات اقتصادی این رژیم می‌توانست در روند رشد و توسعه اقتصادی این کشورها بسیار مفید باشد. در میان کشورهای منطقه، روابط با جمهوری آذربایجان از اهمیت ویژه‌ای برای رژیم اسرائیل برخوردار است زیرا هر دو ایران را به عنوان تهدید خود معرفی می‌کنند (موسوی و مولودی، ۱۳۹۱: ۲۸).

تلاش جمهوری اسلامی ایران برای تأثیرگذاری بر اکثریت شیعه در آذربایجان و اجرای احکام اسلامی در این کشور، حضور اقلیت یهودیان در آذربایجان، همجواری این

کشور با ایران و همچنین منابع غنی نفت و گاز آذربایجان، باعث شده است که رژیم اسرائیل توجه ویژه‌ای به این کشور شیعه مذهب داشته باشد. اسرائیل همواره تلاش کرده است که نقش فعالی در مسائل جمهوری آذربایجان بازی کند، برای نمونه این رژیم موضعی قاطع به نفع آذربایجان در قبال بحران ناگورنو- قره باغ اتخاذ کرده و بر طبق برخی منابع رژیم اسرائیل و ترکیه هر دو تسلیحات و تجهیزات نظامی برای آذربایجان ارسال نموده‌اند (احمدی، ۱۳۸۷: ۷۲).

از دیگر سو، تکنولوژی و تجربه سیاسی و اقتصادی اسرائیل، حمایت نظامی این رژیم از آذربایجان در صورت تهدید از جانب ارمنستان و ایران و نیز برخورداری از حمایت آمریکا در نتیجه این تعاملات برای آذربایجان اهمیت ویژه‌ای دارد. در واقع آذربایجان مثلث باکو- تل آویو- آنکارا را در برابر مثلث مسکو- ایروان- تهران ایجاد کرده و توانسته است موازنه خوبی را در منطقه قفقاز جنوبی ایجاد کند (چابکی، ۱۳۸۸: ۸۱).

موازنه‌ای که می‌تواند حمایت سیاسی و نظامی تل آویو و آنکارا را از آذربایجان در صورت درگیری نظامی با ارمنستان به همراه داشته باشد. بنیامین نتانیاهو به طور آشکار بر عملی بودن همکاری سه جانبه میان اسرائیل، ترکیه و آذربایجان در ریشه کن کردن خیزش جزمی گرایان اسلامی نشأت گرفته از ایران تأکید کرده است (احمدی، ۱۳۸۷: ۷۴).

از دیگر برنامه‌های این رژیم در آذربایجان مبارزه با مظاهر تمدن اسلامی و نیز قداست‌زدایی از حریم اسلام و مقدسات مسلمانان می‌باشد که در سال‌های اخیر با همکاری و همراهی دولت آذربایجان با شدت بیشتری دنبال شده است. تخریب و تعطیلی برخی مساجد، انتشار بخش‌هایی از کتاب موهن آیات شیطانی، ممنوعیت رعایت حجاب در مدارس و توهین به ساحت مقدس پیامبر اسلام در برخی نشریات مانند: صنعت، یونیکال و آلمان نمونه‌هایی از پروژه تخریب اسلام در جمهوری آذربایجان است که با حمایت همه جانبه اسرائیل همراه بوده است. رژیم اسرائیل از اجرای چنین سیاست‌هایی اهداف مهمی را

دنبال می‌کند که ایجاد زمینه مساعد برای اجرای سیاست‌های ضد ایرانی، مقابله پنهان با فضای ضد صهیونیستی حاکم بر کشورهای اسلامی و جلوگیری از تعمیق آموزه‌های اسلامی در بین مردم جمهوری آذربایجان از مهم‌ترین آنها می‌باشد (گلی، ۱۳۸۹: ۶۳).

یهود باراک در سال ۲۰۰۰ در سفر به منطقه خواستار استقرار پایگاه شنود در حاشیه مرز ایران و آذربایجان شد و در سال ۲۰۰۳ دومین پایگاه اطلاعاتی اسرائیل در منطقه جنوبی آذربایجان با نصب دستگاه‌های شنود و با هدف جمع‌آوری اخبار از ایران تأسیس شد. علاوه بر این اسرائیل با زیر نظر داشتن کلیه فعالیت‌های ایران در نزدیکی مرزهای آن با منطقه قفقاز و استفاده از مرزهای منطقه در تقابل احتمالی نظامی با ایران، فضای بازی سیاست خارجی ایران را محدود کرده است (موسوی و توتی، ۱۳۹۱: ۷۲).

تجزیه و تحلیل

در این قسمت از پژوهش به بررسی این نکته پرداخته می‌شود که ژئوپلیتیک در روابط ایران و جمهوری آذربایجان چگونه ایفای نقش می‌کند؟ با مرور عناصر تأثیر گذار بر سردی روابط ایران و آذربایجان متوجه می‌شویم که این عناصر منشاء ژئوپلیتیکی داشته و با عوامل ژئوپلیتیکی همپوشانی دارند.

موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک جمهوری آذربایجان به عنوان یکی از کشورها قفقاز جنوبی به عنوان عامل مهمی است که به عنوان پشتوانه برای این کشور نقش آفرینی می‌کند. اراضی این جمهوری به عنوان بخشی از قفقاز در طول تاریخ از موقعیت جغرافیایی برتر و کلیدی برخوردار بوده و به سبب این موقعیت همواره در معرض توجه دولت‌ها و قدرت‌های بزرگ قرار داشته است. آذربایجان چه زمانی که در ترکیب جغرافیای سیاسی ایران بزرگ قرار داشت و چه پس از جدایی اجباری از ایران، در چهار راه مواصلاتی

شرق- غرب و شمال- جنوب قرار داشته و هنوز هم علی رغم ایجاد راه‌های ارتباطی جدید این موقعیت را حفظ کرده است.

بی شک توجه برخی سازمان‌های بین‌المللی مانند ناتویش از آنکه به خاطر وجود انرژی در منطقه باشد به سبب موقعیت خاص و برتر جغرافیایی آن است؛ همچنان که برای قدرت‌های اروپایی و آمریکایی، همسایگی و پیوستگی جغرافیایی جمهوری آذربایجان با ایران، روسیه و آسیای مرکزی که هر سه دارای اهمیت استراتژیک هستند غیر قابل چشم پوشی می‌باشند. موقعیت جغرافیایی جمهوری آذربایجان به دلایل متفاوت می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران مهم باشد:

دو تکه بودن جمهوری آذربایجان: دو تکه بودن جمهوری آذربایجان

باعث گردیده است تا بسیاری از نیازهای اقتصادی آذربایجان از طریق ایران تامین شود و بدون کمک‌های اقتصادی و همکاری‌های نزدیک ایران با جمهوری خودمختار نخجوان، با خاک اصلی جمهوری آذربایجان این ارتباط برقرار نخواهد شد. با توجه به این موقعیت ژئوپلیتیکی، جمهوری اسلامی ایران تاکنون نخواستار آن است از آن در جهت تحمیل اراده سیاسی و به عنوان اهرم فشار بر جمهوری آذربایجان استفاده نماید.

مسئله پان ترکیسم و ادعای آذربایجان بزرگ از سوی آذربایجان:

فرهنگ، زبان و تاریخ مشترک جمهوری آذربایجان با آذری‌های ایران، انگیزه اصلی نزدیکی و وابستگی آذری‌های شمال و جنوب ارس و دلیل فعالان پان ترکیسمی می‌باشد. لذا مسئله پان ترکیسم که از عناصر تأثیرگذار بر سردی روابط ایران و آذربایجان می‌باشد با فرهنگ بعنوان یک عامل ژئوپلیتیکی همپوشانی داشته و از آن نشات می‌گیرد.

مسائل دریای خزر: نحوه تعیین رژیم حقوقی دریای خزر و مسیر انتقال

منابع آن که یکی از موانع روابط حسنه ایران و آذربایجان می‌باشد بیشتر بخاطر منابع غنی

نفت و گاز در این دریاچه می‌باشد. لذا منابع طبیعی خزر به عنوان یک عامل ژئوپلیتیکی متغیر باعث اختلاف بین جمهوری آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران شده است.

حضور آمریکا و رژیم صهیونیستی در آذربایجان: اگر ایران با آذربایجان

همسایه نبود آمریکا و رژیم صهیونیستی تا به این حد به آذربایجان نزدیک نشده و روابط گسترده‌ای با آن نداشتند هرچند که منافع اقتصادی آمریکا و رژیم صهیونیستی بدلیل منابع نفت و گاز آذربایجان در این ارتباط بی تأثیر نیست. لذا موقعیت موقعیت آذربایجان به عنوان یک عامل ژئوپلیتیکی ثابت در همسایگی با ایران عامل اصلی ترغیب و حضور پررنگ کشورهای مذکور در جمهوری آذربایجان جهت مهار ایران است که به نوبه خود و شاید بیشتر از سایر عوامل سبب سردی روابط ایران و جمهوری آذربایجان شده است. پس در نتیجه حضور آمریکا و رژیم صهیونیستی با عامل ژئوپلیتیکی موقعیت همپوشانی دارد.

تجزیه و تحلیل ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان

رتبه	قابلیت‌ها	رتبه	آسیب پذیری‌ها
۱	برخورداری از معادن غنی نفت و گاز	۱	سیستم بسته بودن و محصور بودن در خشکی
۲	برخورداری از موقعیت ساحلی	۲	دو تکه بودن سرزمین
۳	همسایگی با ایران و روسیه	۳	وابستگی به ایران در تامین نیازمندی‌های نخجوان
۴	استفاده از گروه‌های پان ترکیستی در ایران	۴	اسلام سنی‌زی و سکولار بودن حکومت در یک کشور شیعی
۵	نفوذ در مردم مرزنشین ایران با رسانه‌های متنوع	۵	منازعه و استمرار حالت نه جنگ نه صلح با ارمنستان
۶	برخورداری از سواحل محدب در دریای خزر	۶	خفقان شدید پلیسی در فضای سیاسی داخلی
۷	اتحاد مبتنی بر ملیت با ترکیه	۷	وجود جنبش جدایی طلبانه ارامنه قره باغ
۸	رابطه با اسرائیل	۸	داشتن چالش و تنش با بیشتر همسایگان
۹	رابطه رو به رشد با آمریکا	۹	وسعت کم کشور
۱۰	تلاش برای عضویت در ناتو	۱۰	رواج مرسوم ارتشا و فساد علنی مقامات حکومتی

نتیجه گیری

هرچند روابط ایران و جمهوری آذربایجان در دو دهه اخیر با فراز و نشیب‌های زیادی روبرو بوده اما وجود موانع و چالش‌های بسیار در روابط دو کشور باعث شده که حجم تعاملات دو کشور همواره در سطح پایینی قرار داشته باشد. عمده اختلافات دو کشور به ماهیت نظام‌های سیاسی و نیز رقابت آنها در چهارچوب دسته بندی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بر می‌گردد. شکل‌گیری نظام سیاسی آذربایجان بر اساس سکولاریسم و جدایی دین از سیاست با الگوی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر پیوند دین و سیاست همخوانی ندارد. این در حالی است که تهران از ابتدا قصد داشت روابط با جمهوری آذربایجان را با توجه به حضور اکثریت شیعه در این کشور با محوریت مسائل فرهنگی و بویژه مذهبی دنبال کند.

به رغم وجود برخی فرصت‌ها برای ارتقای سطح روابط دو کشور ایران و آذربایجان، مانند برخورداری از اشتراکات فرهنگی و تاریخی، نقش آفرینی عوامل چالش‌زایی همچون توسعه روابط جمهوری آذربایجان با ناتو، ایالات متحده و رژیم اسرائیل که مورد حساسیت ایران است و گسترش روابط ایران با ارمنستان که حساسیت باکو را بر می‌انگیزد و مسائل دیگری از جمله رژیم حقوقی دریای خزر عملاً محدودیت‌های فرا روی روابط تهران و باکو را افزایش داده است.

گاهی اوقات برخی عناصر که به طور بالقوه فرصت‌ساز هستند کارکردی معکوس پیدا می‌کنند و به عوامل و پارامترهای تهدیدزا تبدیل می‌شوند. برای مثال عامل نزدیکی جغرافیایی که به طور بالقوه می‌تواند مسیر توسعه روابط دو بازیگر را تسهیل کند، در صورت فقدان عوامل مکمل می‌تواند به منبعی برای سیاست‌های مداخله‌جویانه تبدیل شود. عمده عواملی که به عنوان همگرایی در روابط ایران و آذربایجان ذکر شد از جمله

عنصر نزدیکی جغرافیایی و برخورداری از میراث فرهنگی و تاریخی مشترک عوامل بالقوه‌ای برای همگرایی به حساب می‌آیند. بویژه اینکه به لحاظ مذهبی و زبانی نیز مردمان دو کشور کاملاً به هم نزدیک هستند.

اما پاره‌ای از عوامل هستند که ذاتاً تهدیدی برای توسعه روابط به حساب می‌آیند و برخلاف عوامل بالقوه معمولاً ماهیت آنها به آسانی تغییر نمی‌کند. برای مثال اختلاف بر سر میزان سهم هر یک از دو کشور در دریای خزر از آنجایی که تابع قواعد بازی با حاصل جمع صفر بوده و تعارض منافع دو طرف را به دنبال دارد، منبع بالفعل چالش در روابط ایران و آذربایجان خواهد بود. با توجه به سیر تحولات به نظر می‌رسد که در آینده نیز این عوامل به عنوان بخشی از واقعیات روابط آتی دو کشور مطرح خواهند بود. از این رو توسعه روابط همه جانبه تهران- باکو مستلزم اقدامات مناسب برای کاهش عوامل بازدارنده است.

وجوه اشتراک بین ایران و آذربایجان بیش از وجوه افتراق آن است. هر دو کشور باید بیشتر بر وجوه اشتراک تکیه نمایند، هرچند که آذربایجان بیشتر به وجوه افتراق توجه دارد و درصدد بزرگنمایی آن است و بنابراین به جمهوری اسلامی ایران نه به عنوان یک متحد منطقه‌ای بلکه به عنوان یک تهدید می‌نگرد.

منابع

- احمدی، حسین (۱۳۸۵) *تحولات منطقه‌ای ویژه قفقاز*، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- اسدی کیا، بیژن (۱۳۸۷) *جمهوری آذربایجان*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ارس، بولنت (۱۳۸۷) «استراتژی اسراییل در جمهوری آذربایجان و آسیای مرکزی»، ترجمه: حمید احمدی، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، شماره ۲۰.

افشردی، محمد حسین (۱۳۸۱) ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات دوره عالی جنگ سپاه.

امیراحمدیان، بهرام (۱۳۷۶)، *جغرافیای قفقاز*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۱)، *جغرافیای کامل قفقاز*، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۲)، «امنیت جمهوری آذربایجان و ناتو»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال دوازدهم، دوره سوم، شماره ۴۲، تابستان.

امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۳)، «جنگ‌های ایران و روسیه و جدایی قفقاز از ایران»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال دوازدهم، دوره سوم، شماره ۴۶، تابستان.

امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۴) *روابط ایران و جمهوری آذربایجان*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۵)، «ایران و موقعیت ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان در منطقه قفقاز، بازیگران دو وجهی»، *همشهری دیپلماتیک*، شماره سوم.

امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۷)، *تحولات بحران ناگورنو قره باغ*، تهران: موسسه مطالعات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز.

امیری، مهدی (۱۳۸۶) «ارزیابی روابط ایران و آذربایجان در قرن بیستم»، *نشریه مجلس و پژوهش*، سال ۱۳، شماره ۵۳.

بیگدلی، علیرضا (۱۳۷۷) «نگاهی به روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال هفتم، دوره سوم، شماره ۳۴، زمستان.

جباری، ولی (۱۳۸۹) *شیعیان جمهوری آذربایجان*، قم: انتشارات شیعه شناسی.

جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۱) *ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس*، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.

چابکی، ام البنین (۱۳۸۸) «چالش‌های روابط ایران و جمهوری آذربایجان»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی.

صیدی، محسن (۱۳۸۸) عوامل ژئوپلیتیک جمهوری آذربایجان و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۵.

عباسی، مجید (۱۳۸۸) منافع ملی جمهوری اسلامی ایران و رژیم حقوقی دریای خزر، تهران: مؤسسه ملی اقیانوس شناسی.

عباسی، مجید و موسوی سید محمدرضا (۱۳۹۲) «روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان؛ بسترهای همگرایی و زمینه‌های واگرایی»، فصلنامه اوراسیای مرکزی، سال ششم، شماره دوازدهم.

کولایی، الهه (۱۳۸۹) «جمهوری اسلامی ایران و ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره اول.

گلی، حسن (۱۳۸۹) «اسرائیل و سیاست (فداست‌زدایی از اسلام) در جمهوری آذربایجان»، ماهنامه اخبار شیعیان، شماره ۶۳.

موسوی، سید محمدرضا و مولودی فریبرز (۱۳۹۱) «بررسی موانع راهبردی در گسترش روابط ایران و جمهوری آذربایجان»، فصلنامه قفقاز، سال سوم، شماره ۹، بهار. موسوی، سید محمدرضا و توتی حسینعلی (۱۳۹۱) «روابط اسرائیل و قفقاز جنوبی و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» فصلنامه آران، سال یازدهم، شماره ۳۰ و ۳۱، بهار و تابستان.

موسوی، سید محمدرضا (۱۳۹۱) «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال مناقشه قره باغ»، فصلنامه قفقاز، سال سوم، شماره ۱۰، تابستان.

مویر، ر (۱۳۷۹) درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

واحدی، الیاس (۱۳۸۲) برآورد استراتژیک آذربایجان سرزمینی- سیاسی- فرهنگی و اجتماعی (جلد اول)، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

واحدی، الیاس (۱۳۸۵) برآورد استراتژیک آذربایجان اقتصادی- نظامی، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

واعظی، محمود (۱۳۸۷) ژئوپلیتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

Beehner Lionel (۲۰۰۵) "Nagorno karabakh: the Caucasus", Council On Foreign Relations, In: www.cfr.org/novemberz.

Brown Caneron S (۲۰۰۲) "Observations From Azerbaijan", *Middle East Review of International Affairs*, Vol. ۶ no. ۴ December

Merzaliakov Luvii (۱۹۹۹) "Legal Status Of the Caspian Sea", *International Affairs: Erusian Journal*, March.

Valiyer Anar, (۲۰۰۵) "Azerbaijan: Islam in a Post – Soviet Republic", *Middle East Review of International Affairs*, Vol. ۹, No. ۴, December.

Vatanka Aex, "Azerbaijan – Iran Tensions Create Obstacle to Caspian Resolution," *Eurasia Insight*, ۲۹/۰۱/۲۰۰۳.

Religion In Azerbaijan, www.azerbaijan۲۴.com/azerbaijan-traditions/religion-in-azerbaijan.

<http://www.Eurasinet.org>

<http://www.Icweb2.loc.gov>

<http://www.iras.ir>

<http://www.irica.gov.ir>

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910301000048>

<http://www.President.az/Azerbaijan/state>

<http://www.Monagabay.com>, Azerbaijan-the Ecohomny.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی